

## تحلیل محتوای مکاتبات و مذاکرات امام حسین (ع) در جریان قیام عاشورا و تخریج مدل منطقی آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲

فتحیه فتاحی زاده \*

حمیده بابازاده \*\*

### چکیده

مکاتبات و مذاکرات امام حسین (ع) در کهن‌ترین و معتبرترین منابع تاریخی بیان شده است که منبع موثقی در پی‌جویی دیدگاه امام حسین (ع) در مورد زمینه‌های قیام عاشورا و شخصیت فرماندهان، حاکمان و پیروان آنان با روش تحلیل محتوا می‌باشد. تحلیل محتوای این بیانات نشان می‌دهد که پرکاربردترین موضوع مطرح شده، مسئله ولایت می‌باشد و مدل منطقی ارائه شده نیز مبین آن است که آزادی‌خواهی و ذلت‌گریزی ویژگی‌های ولایت‌گریزان است، همچنان که رشد بیعت با دشمنان، دنیاخواهی و فریب‌زدگی از ویژگی‌های ولایت‌گرایان است، هم‌چنان که رشد و تعالی فرد و جامعه از آثار ولایت‌مداری و هلاکت فرد و جامعه از آثار ولایت‌گریزی است. از سوی دیگر «علل شکل‌گیری جنگ» و «شخصیت فرماندهان» دو موضوع مهم در مدل تحلیلی واقع‌نظامی عاشورا است که از خلال بیانات امام حسین (ع) مکشوف می‌گردد. از دیدگاه امام مشکلات اعتقادی مانند عدم ایمان به ولایت امامان، پیمان‌شکنی، دنیاخواهی و حکومت‌طلبی از دلایل زمینه‌ساز قیام و گماردن افراد نالایق به مناصب حکومتی، انحراف طلبی با تحریف معنوی قرآن، کتمان حقایق و سنت‌شکنی از جمله ویژگی‌های حاکمان عصر ایشان است.

### واژگان کلیدی

امام حسین (ع)، قیام عاشورا، روش تحلیل محتوا، مدل منطقی.

F\_Fattahizadeh@alzahra.ac.ir

\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)

\*\* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

hamidehbabazadeh25@yahoo.com

### طرح مسئله

قیام امام حسین(ع) به کرات در منابع مختلف تاریخی بیان و تحلیل شده است، به طوری که در مورد آن کتابشناسی‌های متعددی نیز انجام گرفته است. آنچه که در این میان مغفول واقع شده، تحلیل زمینه‌های آن و هویت جناح‌های سیاسی عصر امام، از بطن بیانات امام(ع) است. به نظر می‌رسد آنچه امروزه می‌تواند راه گشای فهم بسیاری از وقایع آن دوران باشد، تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری امام، از خلال کلام و گفتار ایشان است، چرا که زبان آدمی، معرف شخصیت او است و به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار یکدیگر و تحلیل محتوای کلام اوست که می‌توان به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد و اعماق اندیشه‌های وی دست یافت و با نگاه کلی، ساختار حاکم بر بیانات ایشان را ترسیم کرد و با تحلیل آنها، الگوی منطقی در مورد آن واقعه از نگاه آن حضرت ارائه نمود.

رویکرد این جستار آن است که با روش تحلیل کمی و کیفی مکاتبات و مذاکرات امام حسین(ع) در قیام عاشورا، جریان شناسی این قیام و زمینه‌های آن از دیدگاه امام(ع) از کلمات امام پیگیری شود، سپس دیدگاه‌های امام در رابطه با شخصیت حاکمان و پیروان آنها در عصر امام، مسئله ولایت در جامعه اسلامی و دلایل زمینه‌ساز وقوع رخداد قیام عاشورا با تحلیل گفتمان آن حضرت تبیین شده و مدل‌های منطقی در ارتباط با مسئله ولایت و قیام عاشورا را ارائه کند.

### ۱. معرفی روش تحلیل محتوا

تحلیل محتوا روشی است که به منظور دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صادر کننده پیام، علل صدور پیام و آثار آن، برای تجزیه و تحلیل عینی و منظم پیام‌های مختلفی که از طریق گوناگون مبادله می‌شود، به کار می‌رود. این پیام ممکن است به اشکال و طرق مختلف صادر شوند، از جمله: کتاب، مقاله، دست‌نوشته، سخنرانی، مصاحبه، فیلم، نامه، پرسشنامه و هرگونه پیام دیگری که به روش‌های خواندن، شنیدن و دیدن (یا حواس دیگر) دریافت کرد، یعنی هم اسناد مکتوب و غیرمکتوب و هم پیام‌های شنیداری و دیداری (عزتی، ۱۳۷۶ش، صص ۲۳۰-۲۳۱).

تحلیل محتوا در جستجوی آن چیزی است که در پس سخن قرار دارد و می‌خواهد آن را کشف کند و روی آن تکیه می‌کند (باردن، ۱۳۷۵ش، صص ۴۵-۴۶). لورنس باردن تحلیل محتوا را چنین تعریف می‌کند: «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوای است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک

متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵ش، ص ۲۹).

هولستی و استون، تحلیل محتوا را تکنیکی پژوهشی برای استنباط‌های شخصی برحسب شناسایی نظام‌مند و عینی ویژگی‌های خاص در یک متن می‌دانند. این تعریف، خصیصه استنباطی کدگذاری واحدهای نوشتاری برحسب مقولات مفهومی (تحلیل کیفی) را به رسمیت شناخته و این استنباط‌ها را جان کلام تحلیل محتوا می‌داند (کرپندورف، ۱۳۷۸ش، ص ۲۸).

تحلیل محتوا به روش‌های کمی و کیفی انجام می‌گیرد. منظور از تحلیل‌های کمی، بررسی فراوانی کلیدواژه‌ها، مضامین اصلی و فرعی و جهت‌گیری‌ها است که راه را برای تحلیل کیفی هموار می‌سازد. روش‌های تحلیل کمی توسیعی‌اند (تعداد زیادی اطلاعات مختصر تحلیل می‌شود) و واحد اطلاعاتی پایه در روش‌های تحلیل محتوای کمی، بسامد ظهور برخی از خصوصیات محتوای متن است. روش‌های کیفی تشدید می‌اند (تعداد کمی اطلاعات مرکب و مفصل تحلیل می‌شود) و واحد اطلاعاتی پایه در تحلیل کیفی، ظهور یا غیبت یک خصیصه است (کیوی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۲۳).

در تحلیل کیفی، محتوای داده‌های متن که در روش کمی طبقه‌بندی و کدگذاری شده است، تفسیر می‌شود. تحلیل کیفی به‌مثابه فنی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده است (هولستی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۴). در تحلیل محتوای کیفی، مسیر حرکت عمدتاً از متن به سمت بیرون کشیدن مقولات و سپس ایجاد مدل‌ها و نقشه‌های مفهومی است (Elo & Kyngas, 2007, p.107). سیوفانگ و شنون، تحلیل محتوای کیفی را یک روش تحقیق برای تفسیر ذهنی محتوای متون می‌دانند که از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم مضامین یا الگوهای کدگذاری شده عمل می‌کند (Hsiu Fang & Shannon, 2005, p.1279).

مایرینگ نیز این روش را فرایند تحلیل کنترل شده، روشمند و تجربی متون در بافت خاص خودشان می‌داند که قدم‌به‌قدم به شکل‌گیری یک مدل نظری نزدیک می‌شود (Mayring, 2000, p.2) و نتیجه تحلیل کیفی، ارائه نوعی توصیف و یا سنخ‌شناسی از معانی مستتر در یک متن است (Zhang & Wilddemuth, 2009, p.2).

هدف نهایی در تحلیل کیفی، ایجاد یک مدل یا نظریه پیرامون ساختار متن مورد مطالعه و یا کشف فرایندهای مستتر در متن است؛ بنابراین مدل منطقی یا چارچوب نظری نظم‌های نهفته و الگوهای تکرار شونده در متن را نشان می‌دهد (Thomas, 2006, p.2).

تحلیل محتوا مجموعه‌ای از فنون ارتباطات و گستره‌ای از ابزارهاست که متناسب با هر پژوهش، باید فن مربوط به آن کار انتخاب شود. از جمله فنون تحلیل می‌توان به تحلیل مقوله‌ای

مضمونی، تحلیل بیان، تحلیل روابط، تحلیل صوری، ارزیابی، تحلیل گزاره‌ای، تحلیل عمل‌گرایانه، تحلیل توصیفی، تحلیل خصوصیات، تحلیل علائم و... اشاره کرد. تکنیک اتخاذ شده در این تحقیق، فن تحلیل محتوای مضمونی بر اساس واحد جملات می‌باشد. تحلیل محتوای مضمونی بر اساس مطالعه متن و کدگذاری و بدون هیچ پیش فرض ذهنی انجام می‌گیرد. در تحقیق حاضر کدگذاری برای مضامین فرعی یا نقاط تمرکز انجام شده است.

مراحل کار با توجه به مدل کاری تحلیل محتوای متون دینی به شرح زیر می‌باشد:

۱. شمارش کلمات نامه و خطبه‌ها،
۲. یافتن کلید واژگان اصلی نامه‌ها،
۳. تجزیه عناصر تشکیل دهنده و تقطیع موضوعی جملات در جداول،
۴. یافتن موضوعات اصلی و جهت‌گیری،
۵. تبدیل عناصر مرتبط در یک جمله به گزاره‌ها و مضامین جهت یافتن موضوعات فرعی و نقاط متمرکز متن،
۶. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات اصلی و فرعی در قالب نمودار،
۷. تحلیل کیفی بر اساس نتایج حاصل از تحلیل کمی،
۸. مقوله‌بندی موضوعات و مضامینی که فراوانی بالاتری دارند،
۹. مدل‌سازی و ارائه نتیجه. (برای آشنایی بیشتر با روش و مراحل اجرایی آن ر.ک: جانی‌پور، ۱۳۹۰ش-الف، صص ۳۸-۶۲).

## ۲. اعتبارسنجی منابع مکاتبات و مذاکرات

مکاتبات و مذاکرات امام حسین(ع) در جریان قیام عاشورا، در منابع مختلف تاریخی و حدیثی از جمله کتاب الامامه و السیاسة، انساب الاشراف، تاریخ طبری، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم ابن جوزی، الکامل ابن اثیر، مناقب ابن شهر آشوب، وسائل الشیعه، لهوف، مشیرالحزان، عوالم العلوم، الدرالنظیم، الامالی صدوق، تحف العقول، الاحتجاج و بحارالانوار بیان شده است. در مجموع ۶ مکاتبه و مناظره است که خطاب به مردم در حضور معاویه، نامه ایشان به معاویه، مذاکره با ولید بن عتبه در بیعت با یزید، مذاکره با سپاه حرّ و مذاکره با عمر بن سعد و شمر در روز عاشورا می‌باشد که با نظر به تقدم تاریخی برخی از این آثار، اجمالاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کهن‌ترین اثر، کتاب *الامامه و السیاسه* (۲۷۶ق) منسوب به ابن قتیبه دینوری است. در جهت انتساب این کتاب به ابن قتیبه از چند جهت تشکیک وارد شده است: مشخص نبودن مؤلف اصلی این کتاب، با توجه به اینکه از آثار تاریخی مربوط به قرون نخستین اسلامی است و همچنین از مستندات تاریخ طبری و *الکامل* ابن اثیر است از ارزش و اعتبار آن نمی‌کاهد (ر.ک: ملحم، ۱۹۹۸م، ص ۵۴).

نویسنده کتاب هرچند از امامام معصوم(ع) و اصحاب ایشان با احترام یاد می‌کند اما انتقال قدرت به معاویه را مشروع می‌داند. تلاش‌های صاحب‌الامامه و *السیاسه* مبنی بر دفاع از دستگاه خلافت، موجب شده که وی به موضع‌گیری‌های متناقضی دست بزند، از قبیل: تأیید هم‌زمان امویان، شیعیان و عباسیان. ولی این اشارات وی تا اندازه‌ای متغیر و بی‌ثبات نیز هستند (ملحم، ۱۹۹۸م، ص ۵۹). وی مکاتبه امام حسین(ع) و معاویه را در بخش مطالبه بیعت معاویه از امام حسین(ع) بیان کرده است.

دومین منبع، کتاب *انساب الاشراف* (۲۷۹ق) از آثار حمدبن یحیی بن جابر بن داود بلاذری است. بلاذری با عناوین متعدد همچون علامه، اخباری، ادیب، کاتب، حافظ، مورخ، متفن و کتاب *«انساب الاشراف»* نیز با عنوان *«هو کتاب ممتع کثیر الفائدة والنفع»* در منابع تاریخی و رجالی مورد تمجید و توثیق قرار گرفته است (حموی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۷۴؛ ابن العدیم، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۱۹؛ صفدی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۱۵۵؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۲۱۱۲؛ قنوجی، ۱۹۷۸م، ص ۳۰۳).

بلاذری در *انساب الاشراف*، به شرح مفصلی از وقایع کربلا و شخصیت امام حسین(ع) در روز عاشورا پرداخته و معاویه را در موارد متعدد مورد مذمت قرار داده است.

وی مکاتبه امام حسین(ع) و معاویه را ذیل مبحث انساب معاویه و از مدائنی نقل می‌کند. مدائنی از راویان *انساب الاشراف* و از مورخان و دانشمندان قرن دوم است و درباره «قضایای خراسان، هند و فارس و فتوحات شام»، در مورد پیامبراکرم(ص) به‌ویژه غزوات و سریه‌ها، رسائل و عهود پیامبراکرم(ص) و در زمینه اخبار قریش و خلفا و اشراف از جمله معاویه و یزید کتاب دارد (ابن‌ندیم، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴۷؛ صفدی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۸؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۱۷۲۴).

محدثان در موثق دانستن او در باب حدیث اختلاف نظر دارند. برخی از محدثان از جمله یحیی بن معین وی را موثق محسوب می‌کنند (صفدی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۸؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۱۷۲۴؛ ابن‌تعلی بردی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۹) اما عبدالله بن عدی او را با «لیس بالقوی» توصیف می‌کند و می‌گوید: «وی صاحب اخبار است اما روایات مستندش بسیار کم است» (ابن

حجر، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۲۵۳). با وجود این، مدائنی در علم تاریخ، حجت و معتبر شمرده شده و علما او را حتی در باب روایات بدون سندش، موثق دانسته‌اند (حموی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۲۲۰؛ خطیب بغدادی ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵۴).

منبع کهن دیگر، تاریخ طبری (۳۱۰ق) اثر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر طبری است. بسیاری از پیشوایان حدیث، علم و فضایل اخلاقی او را در زمینه‌های مختلف ستوده‌اند. گفته شده است او علامه دوران، پیشوای عصر و فقیه زمان خود در جمیع علوم از جمله علم قرآن، نحو، شعر، لغت و فقه، سنن و طرق، ناسخ و منسوخ، اقوال صحابه، تابعین و مخالفین تابعین در احکام و مسائل حلال و حرام بوده است. او آگاه از حوادث اجتماع و اخبار آن و محدثی فقیه و قاری معروفی بود که از قرائات مختلف آگاهی داشت. یکی از پیشوایان علماء محسوب گردیده و به قول و گفته او حکم شده و به خاطر معرفت و فضلش به رأی او رجوع می‌شد (حموی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۲۴۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۵۲، ص ۱۹۱؛ ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۶؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲ق، ج ۲، ص ۱۶۲؛ صفدی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۶۶؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۴، ص ۱۹۱). به جهت حمایت از مواضع امامان شیعه (ع) در این کتاب، مورخان اهل سنت می‌گویند او متهم به تشیع است.

خطبه امام حسین (ع) در مواجهه با سپاه حرّ، در این کتاب به نقل از ابومخنف بیان شده است (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۶۰). بررسی روایات ابومخنف حاکی از تمایل آشکار او به علویان است، زیرا وی از سیاست علی (ع) و منزلتش درباره فتنه عثمان دفاع کرده و مخالفین وی را به شدت محکوم نموده است؛ عایشه، طلحه، زبیر و معاویه را مورد حمله قرار داده و از امویان و سیاستشان انتقاد کرده و عیوب آنان را برملا ساخته است (ملحم، ۱۹۹۸م، ص ۷۰).

بر همین اساس در کتب رجال اهل سنت به شدت و با عبارات‌های (ضعیف، متروک الحدیث، لیس بئقه، لیس بشیء) مورد جرح قرار گرفته است (حموی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۲۹؛ ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۴۱۹؛ صفدی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۲۹۸). در کتب رجال شیعه نیز ضمن بیان اخبار مختلف او در زمینه‌های فتوحات شام و عراق، جنگ‌های صفین و جمل، غارات، سقیفه، مقتل عثمان، امام حسین (ع) و معاویه و... با عبارت (لیس بشیء) مورد جرح قرار گرفته است (طوسی، ۱۳۵۱ش، ج ۱، ص ۱۰۰؛ خوئی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۵، ص ۹۷).

مشهورترین تألیف ابومخنف، مقتل الحسین است، اما کتاب دیگری که با عنوان *وقعة الطف* به ابومخنف منتسب شده، جعلی است. از مهم‌ترین دلایلی که جعلی بودن انتساب *وقعة الطف* به ابومخنف را نشان می‌دهد، استنادهای مؤلف آن به راویان و مورخان بعد از ابومخنف است. به‌عنوان نمونه در آن کتاب آمده است:

الف) «قال ابو مخنف: حدثنا ابوالمنذر هشام عن محمد بن سائب الكلبي» (وقعة الطف، ۱۴۱۷ق، ص ۶۷) در حالی که هشام، شاگرد ابو مخنف بوده است.

ب) «روی الكلینی فی حدیث...» در حالی که کلینی نزدیک به صد سال پس از مرگ ابو مخنف به دنیا آمده است (وقعه الطف، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵).

تفاوت‌هایی بین متن تاریخ طبری که از ابو مخنف نقل می‌کند و وقعه الطف نیز وجود دارد. به عنوان نمونه: طرمح بن عدی پس از آنکه هفتاد نفر را از لشکر عمر سعد کشت، خود نیز کشته شد. حال آن که طبری در تاریخش از ابو مخنف نقل می‌کند که طرمح بن عدی در کربلا نبوده است (وقعه الطف، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲)

همچنین محدث نوری درباره ابو مخنف و مقتل منسوب به ابو مخنف می‌نویسد:

«ابو مخنف لوط بن یحیی از بزرگان محدثین و معتمد ارباب سیر و تواریخ است و مقتل او در نهایت اعتبار است. ولکن افسوس که اصل مقتل بی‌عیب او در دست نیست و این مقتل موجود که به او نسبت می‌دهند مشتمل است بر بعضی مطالب منکره مخالف اصول مذهب و البته آن را اعدای و جهال به جهت پاره‌ای از اغراض فاسده در آن کتاب داخل کردند و از این جهت از حد اعتبار و اعتماد افتاده، بر منفردات آن هیچ وثوقی نیست» (نوری، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸۷).

ابو مخنف که در نیمه دوم قرن اول هجری در کوفه به دنیا آمد و در سال ۱۵۷ یا ۱۵۸ هجری درگذشت. به احتمال قوی سال‌ها بعد از واقعه کربلا متولد شده است. هنگامی که وی شروع به نگارش مقتل الحسین کرده، هنوز تعداد انگشت‌شماری از شاهدین مورد اعتماد واقعه کربلا در قید حیات بوده‌اند. بنابراین با وجود جرح ایشان در کتب رجال اهل سنت و مواضع متفاوت محدثان و رجالیان شیعه نمی‌توان اخبار او در تاریخ طبری را بی‌اعتبار دانست.

### ۳. تحلیل محتوای کمی مکاتبات و مذاکرات امام حسین(ع)

در این بخش ابتدا متن روایت به صورت تقطیع شده در جدول محتوا درج شده است که گویای مضامین، جهت‌گیری‌های کلی و نقاط تمرکز متن می‌باشد. مکاتبات و مذاکرات امام حسین(ع) در مجموع به ۷۷ واحد متن تقطیع شده است که با توجه به حجم محدود مقاله، تنها نمونه‌ای از این جداول حاوی متن تقطیع شده خطبه اول در ذیل ارائه می‌شود:

کد شناسه	نقطه تمرکز	موضوعات اصلی	جهت گیری	متن خطبه	ب.ق.
A-01-1	پیروزی مستمر اولی الامر علیهم السلام و پیروان آنان	ولایت	اعتقادی	نَحْنُ حِزْبُ اللَّهِ الْعَالِيُونَ وَ عِزَّةُ رَسُولِ اللَّهِ الْأَقْرَبُونَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ الطَّيِّبُونَ وَ أَحَدُ الثَّقَلَيْنِ الَّذِينَ جَعَلَنَا رَسُولُ اللَّهِ تَائِبِي كِتَابِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى	B1
A-01-2	احد الثقلین بودن امامان معصوم و ملازمت دائمی ایشان با قرآن کریم				
A-01-3	قربت امامان به پیامبر اکرم و مقام عصمت دلیل وجوب اطاعت از آنان				
A-01-4	تفصیل کل شیء بودن قرآن و عدم امکان تحریف	توصیف قرآن	اعتقادی	كِتَابِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ	B2
A-01-5	تفسیر و تأویل قرآن بر عهده امامان بدون تضييع احكام آن توسط امامان	ولایت	اعتقادی	وَ الْمُعْوَلُ عَلَيْنَا فِي تَفْسِيرِهِ وَ لَا يُبْطِئُنَا تَأْوِيلُهُ بَلْ نَتَّبِعْ حَقَائِقَهُ فَأَطِيعُونَا فَإِنَّ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةٌ إِذْ كَانَتْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ مَفْرُوضَةً قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ وَ قَالَ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ	B3
A-01-6	وجوب اطاعت از پیامبر و اولی الامر با مقارنت به اطاعت الهی (آیه ۵۹ نساء)				

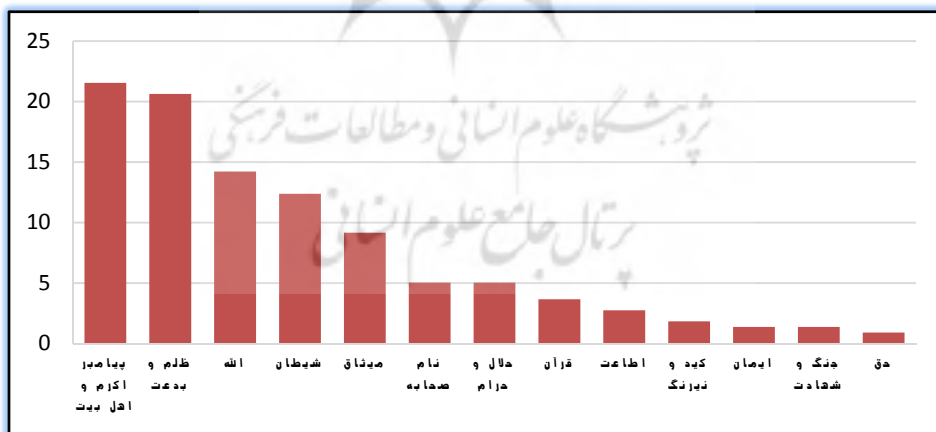


A-01-7	تحدیر از تبعیت شیاطین	خلافت شیاطین	اعتقادی	B4
--------	-----------------------	--------------	---------	----

و لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ  
 لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا وَ  
 أُحْذِرْكُمْ الْإِصْغَاءَ إِلَى هُمُوفِ  
 الشَّيْطَانِ بِكُمْ فَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ  
 مُّبِينٌ فَتَكُونُوا كَأُولِيَاءِهِ الَّذِينَ قَالَ  
 لَهُمْ - لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنْ  
 النَّاسِ وَ إِلَيَّ جَاؤُكُمْ فَلَمَّا  
 تَرَاءَتِ الْفِئْتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ  
 وَ قَالَ إِيَّيَّ بَرِيءٌ مِنْكُمْ فَتُلْقُونَ  
 لِلسُّيُوفِ ضَرْبًا وَ لِلرِّمَاحِ وَرَدًّا وَ  
 لِلْعُمَدِ حَطْمًا وَ لِلسِّهَامِ غَرَضًا ثُمَّ  
 لَا يُقْبَلُ مِنْ نَفْسٍ إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ  
 آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي  
 إِيمَانِهَا خَيْرًا

### ۳-۱. سنجش فراوانی کلیدواژگان

منظور از فراوانی کلمات، شمارش کلیدواژه‌های مفهوم‌ساز هست. در این شمارش، واژگان مشابه در یک دسته جای گرفته و همچون یک مفهوم مشترک در قالب نمودار به نمایش گذاشته می‌شوند:



شکل ۱: نمودار فراوانی کلیدواژه‌های نامه‌های امام حسین(ع)

نمودار فوق نشان می‌دهد، نام پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت علیهم السلام همچنین واژه‌هایی که در ارتباط با ظلم و بدعت است، بالاترین فراوانی را دارد. با توجه به اینکه مکاتبات و مذاکرات امام حسین(ع) بیشتر در قالب نکوهش حاکمان و وضعیت جامعه بیان شده است، بالا بودن این

دو کلیدواژه، حاکی از آن است که امام حسین(ع) ضمن استناد بر فرمایشات پیامبر اکرم(ص) ریشه اصلی ظلم و بدعت در جامعه را فراموشی پیامبر اکرم(ص)، نافرمانی از ایشان و خارج شدن از ولای پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) و نقض صریح آیه ۵۹ نساء می دانند. چنان که در بخشی از خطبه خود در حضور معاویه بیان می فرماید:

«نَحْنُ حِزْبُ اللَّهِ الْعَالِيُونَ وَ عِترَةُ رَسُولِ اللَّهِ الْأَقْرَبُونَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ الطَّيِّبُونَ وَ أَحَدُ الثَّقَلَيْنِ الَّذِينَ جَعَلَنَا رَسُولُ اللَّهِ تَابِي كِتَابِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ وَ الْمُعْوَلُ عَلَيْنَا فِي تَفْسِيرِهِ وَ لَا يُبْطِئُنَا تَأْوِيلُهُ بَلْ نَتَّبِعُ حَقَائِقَهُ فَأَطِيعُونَا فَإِنَّ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۵۹؛ ج ۴۴، ص ۲۰۵).

در نامه دیگری به معاویه نیز تصریح می فرمایند:

«إِنِّي لَا أَعْلَمُ فِتْنَةً أَكْبَرُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ وَلَا يَتِيكَ عَلَيْهَا وَ لَا أَعْلَمُ نَظْرًا لِنَفْسِي وَ لِدِينِي وَ لِأُمَّةِ مُحَمَّدٍ(ص) عَلَيْنَا أَفْضَلَ مِنْ أَنْ أُجَاهِدَكَ» (ابن قتیبه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴۶).

با توجه به نمودار، کلمه الله و شیطان در کلام امام حسین(ع) به میزان مساوی به کار رفته و واژه حق کمتر از سایر واژه ها به کار رفته و گویای آن است که امام حسین(ع) بیشتر از آنکه به موضوع استحقاق حق توجه داشته باشد، تلاش کرده تا با توصیف حزب الله و حزب شیاطین، دعوت به سپاه حق و تحذیر از الحاق به گروه شیاطین و دادن حق انتخاب بر مخاطبان، آن ها را در مسیر هدایت قرار دهند. چنان که در ادامه خطبه خود برای مردم در حضور معاویه، ضمن بیان آیه ۵۹ سوره نساء می فرماید:

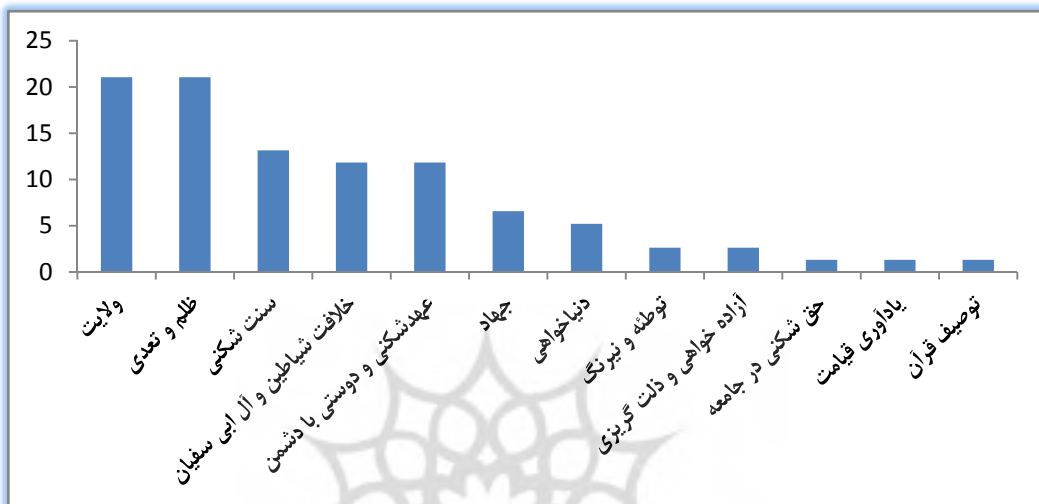
«فَأَطِيعُونَا فَإِنَّ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةٌ إِذْ كَانَتْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ مَفْرُوضَةً.. وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ رَحْمَتُهُ لَا تَبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا وَأَخَذَرَكُمْ الْإِضْعَاءَ إِلَى هُتُوفِ الشَّيْطَانِ بِكُمْ فَإِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۵۹؛ ج ۴۴، ص ۲۰۵).

### ۲-۳. سنجش فراوانی موضوعات اصلی

استخراج موضوعات اصلی عبارت است از عمل طبقه بندی عناصر سازنده یک مجموعه، از طریق تشخیص تفاوت های آن ها و سپس گروه بندی مجدد، بر اساس معیارهای تعیین شده قبلی برحسب نوع و شباهت عناصر(جانی پور، ۱۳۹۰ش-الف، ص ۸۹).

در استخراج موضوعات، روح کلی حاکم بر متن تقطیع شده در نظر گرفته شده است، لذا ممکن است هر قسمت متن علاوه بر موضوع اصلی حاوی مضامین دیگری هم باشد که در مرحله استخراج مضامین فرعی به کار گرفته می شود. همچنین موضوعات انتخابی متناسب با

هدف و نوع محتوای هر قسمت است. توجه به فراوانی موضوعات نشان می‌دهد متن، بیشتر در چه حوزه‌ای بوده و در چه مواردی سخن گفته است. بالا بودن فراوانی موضوع خاص در متن، بیانگر دغدغه اصلی مؤلف در ارتباط با آن موضوع می‌باشد.



شکل ۲: نمودار فراوانی موضوعات اصلی مکاتبات امام حسین(ع)

نمودار فوق نشان می‌دهد از جمله موضوعات مطرح شده در مواجهه امام حسین(ع) با دشمنان، مسأله ولایت و تأکید بر گسترش ظلم و تعدی در جامعه است. پس از آن مسئله سنت شکنی و تخلیط حلال و حرام الهی، خلافت ناحق آل ابی سفیان که نمادی از شیاطین می‌باشند و عهدشکنی و دوستی با دشمنان در میان مردم کوفه، از موضوعات مهم در کلام امام حسین(ع) است. چنان‌که به معاویه می‌فرماید:

«فَكُنْتُ إِلَيْهِ أَنْ أَقْتُلَ كُلَّ مَنْ كَانَ عَلَى دِينِ عَلِيٍّ فَقَتَلْتُهُمْ وَ مَثَلُ بَعْضِهِمْ بِأَمْرِكَ وَ دِينِ عَلِيٍّ ع وَ اللَّهُ الَّذِي كَانَ يَضْرِبُ عَلَيْهِ أُنْبَاكَ وَ يَضْرِبُكَ وَ بِهِ جَلَسْتَ مَجْلِسَكَ الَّذِي جَلَسْتَ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَكَانَ شَرُّكَ وَ شَرُّ أُمَّيْكَ الرَّحْلَتَيْنِ» (بلاذری، ۱۹۷۴ق، ج ۲، ص ۱۱۹).

به ولید بن عتبه در مورد گرفتن بیعت با یزید می‌فرماید:

«لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ الْخِلَافَةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ وَ كَيْفَ أَبَايَعُ أَهْلَ بَيْتِ قَدْ قَالَ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ش، ص ۱۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۱۲).

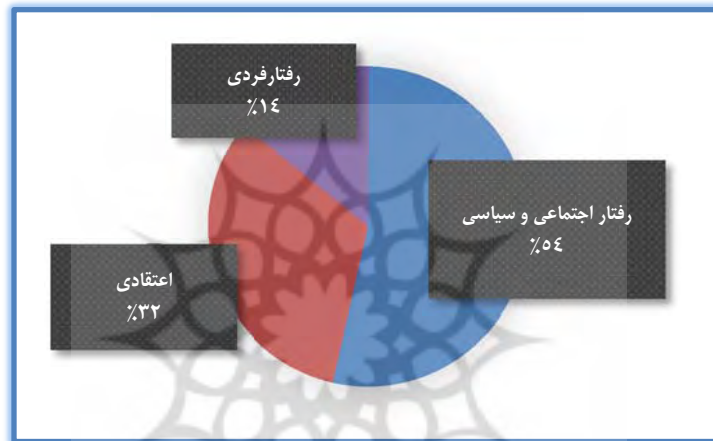
خطاب به کوفیان می‌فرماید:

«أَنْ هُوَ لَاءِ الْقَوْمِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَوَلَّوْا عَنِ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ عَطَلُوا الْحُدُودَ وَ اسْتَأْثَرُوا بِالْفِيءِ وَ أَحَلُّوا حَرَامَ اللَّهِ وَ حَرَّمُوا حَلَالَهُ وَ إِنِّي أَحَقُّ بِحَدَا الْأَمْرِ لِقُرَاتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)» (طبری، ۱۴۷ق، ج ۴، ص ۳۰۴).

### ۳-۳. سنجش فروانی جهت گیری ها

منظور از جهت گیری ها، عناوین کلی تری هستند که هرکدام از موضوعات اصلی در متن را شامل می شوند. به عبارت دیگر به جهت سهولت بررسی هر متنی، موضوعات اصلی استخراج شده در مرحله دوم در قالب عناوین کلی تری درج می شوند که به آن عناوین جهت گیری می گویند (جاننی پور، ۱۳۹۰ش-الف، ص ۲۰۶).

جهت گیری های موضوعی نماد جهت گیری های ذهنی گوینده است و نشان می دهد گوینده نسبت به کدام دسته از موضوعات توجه ویژه داشته است.



شکل ۳: نمودار فروانی جهت گیری های مکاتبات امام حسین (ع)

نمودار فوق نشان می دهد امام حسین (ع) در سخنان خود سه جهت گیری اصلی دارد؛ در میان آن ها، مباحث مرتبط با رفتار اجتماعی و سیاسی مردم نسبت به مسائل اعتقادی بسامد بیشتری داشته و دغدغه اصلی امام حسین (ع) بوده است. پاتوجه به اینکه مهم ترین دسیسه حاکمان و دشمنان در جامعه عصر امام (ع)، نفاق و ضربه بر اسلام با نام اسلام در لوای تدین و تحریف معنوی آیات قرآن بود، نگرش و موعظه، با جهت گیری رفتار اجتماعی و سیاسی مردم و حاکمان مانند افشاگری ظلم و بدعت حاکمان در جامعه و تکریم امر جهاد در برابر ظالمان به عنوان سنت پیامبر اکرم (ص) در دفاع از اصالت و روح اسلام مؤثرتر بود.

### ۴. تحلیل محتوای کیفی مکاتبات و مذاکرات امام حسین (ع)

از آنجاکه تحلیل های کمی راه ورود به تحلیل های کیفی است، لذا از نتایج کمی و نمودارها برای تحلیل کیفی بهره برده شده است. تحلیل کیفی به شاخص های غیر بسامدی که اجازه استنباط

می‌دهد مربوط می‌شود، برای مثال حضور یا غیبت یک خصیصه، نشانه‌ای است که می‌تواند در تحلیل اثرگذار باشد (باردن، ۱۳۷۴ش، ص ۱۳۱).

باتوجه به اینکه هر خطبه، نامه و مذاکره در بافت اجتماعی خاصی مطرح شده است، لازم است در فرایند تحلیل کیفی، آن شرایط ذکر شود تا مضامین به شکل دقیق‌تری ترسیم شود. اهتمام بر بافت اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری گفتمان را کریپندورف با عنوان «شناخت عوامل پایدار در نظام مورد نظر» در معرفی تحلیل کیفی بیان کرده است. چنان‌که وی، می‌نویسد: «کار محقق استنباط از متن درباره جنبه‌ی خاصی از آن و توجیه استنباط در نظر گرفته شده برحسب شناخت عوامل پایدار در نظام مورد نظر است» (کریپندورف، ۱۳۷۸، ص ۳۳).

#### ۴-۱. تحلیل محتوای خطبه اول امام حسین(ع) در حضور معاویه

این خطبه بعد از شهادت امام حسن(ع) در شرایطی ایراد می‌شود که امام حسین(ع) به مقام ولایت امر می‌رسد، از سوی دیگر امویان به‌ویژه معاویه به دنبال نهادینه کردن افکار عثمانی، برائت از امامان معصوم(ع) و سرکوب کردن علویان می‌باشند. امام حسین(ع) در این شرایط لازم می‌داند تا به معرفی خود و تجلیل از مقام ولایت بپردازد و مردم را نسبت به نقشه‌های شیطان‌ی حاکمان آگاه کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۶۷، طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۹۹، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۵۹). از این رو قالب گفتاری امام(ع) تجلیل و موعظه است. در این خطبه امام(ع)، مضامین ذیل کشف شده است:

ردیف	جهت‌گیری	موضوع اصلی	نقطه تمرکز	کد
B1	اعتقادی	ولایت	پیروزی مستمر اولی‌الامر علیهم السلام و پیروان آنان	A-01-1
			احد الثقلین بودن امامان معصوم و ملازمت دائمی ایشان با قرآن کریم	A-01-2
			قرابت امامان به پیامبر اکرم و مقام عصمت دلیل وجوب اطاعت از آنان	A-01-3
B2	اعتقادی	توصیف قرآن	تفصیل کل شیء بودن قرآن و عدم امکان تحریف	A-01-4
B3	اعتقادی	ولایت	تفسیر و تأویل قرآن بر عهده امامان بدون تزییع احکام آن توسط امامان	A-01-5
			وجوب اطاعت از پیامبر و اولی‌الامر با مقارنت به اطاعت الهی (آیه ۵۹ نساء)	A-01-6

A-01-7	تحدیر از تبعیت شیاطین	خلافت شیاطین	اعتقادی	B4
--------	-----------------------	-----------------	---------	----

#### ۲-۴. تحلیل محتوای نامه دوم امام حسین(ع) به معاویه

این نامه در شرایطی نوشته می‌شود که معاویه در پی خونخواهی عثمان است. او قتل عثمان را عاملی برای ایجاد تفرقه و تشتت بین امت اسلام می‌داند و امام علی(ع) را از عاملان فتنه می‌انگارد. بر همین اساس چون از تکرار فتنه(قتل عثمان) و قیام امام حسین(ع) بر ضد دستگاه حاکم، بیم دارد نامه‌ای به امام حسین(ع) با این مضمون می‌نویسد:

«اموری از تو به من ابلاغ شده، اگر سخنانی که درباره تو گفته شده حق باشد، گمان می‌کنم برای تو صلاح باشد که از آنها خودداری نمائی. به خدا قسم آن کسی که با خدا عهد و پیمان بسته باشد، سزاوارتر است که به عهد خود وفا کند. اگر این سخنانی که از تو به گوش من رسیده باطل باشد، باید هم باطل باشد، زیرا تو از این‌گونه سخنان برکناری. نفس خویشتن را موعظه کن! متوجه خود باش! به عهد و پیمان خود وفا کن! زیرا اگر تو منکر من شوی، من نیز منکر تو خواهم شد. اگر تو نسبت به من مکر و حيله کنی، من هم درباره تو خواهم کرد. بترس از اینکه بین این امت، اختلاف ایجاد کنی و ایشان را به دست خود دچار فتنه و آشوب نمائی! تو که بی‌وفایی این مردم را می‌دانی و آنان را امتحان کرده‌ای، پس به خویشتن و دین خود و امت محمد نظر کن! مبادا افراد سفیه و نادان تو را آلت دست قرار دهند!» (بلاذری، ۱۹۷۴ق، ج ۲، ص ۱۱۹).

امام حسین(ع) در این شرایط در برابر اتهامات معاویه به دفاع از خود و امام علی(ع) می‌پردازد و از ظلم و بدعت دستگاه حکومت پرده برداشته و رویه امویان را دلیل شرعی بر لزوم جهاد و قیام می‌داند(ابن قتیبه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۳۷ و ۱۴۶؛ بلاذری، ۱۹۷۴م، ج ۲، ص ۱۱۹، ج ۳، ص ۱۵۳؛ شامی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۱۳).

از این نامه ۱۹ مضمون استخراج شده است:

کد	نقطه تمرکز	موضوع اصلی	جهت‌گیری	ردیف
A-02-1	مبارزه علیه دستگاه معاویه به جهت شیطانی بودن سیاست‌ها	جهاد و مبارزه	رفتار اجتماعی	B1
A-02-2	نکوهش معاویه در قتل حجرین عدی و عمروبن الحمیق	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	B2
A-02-3	نکوهش معاویه در عهدشکنی او نسبت به آن دو صحابه که امان داده بود	پیمان‌شکنی	رفتار اجتماعی	

A-02-4	واگذاری مناصب حکومتی بر افراد نالایق	سنت شکنی	رفتار اجتماعی	B3
A-02-5	کشتار ناحق مسلمانان	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	
A-02-6	نادیده گرفتن مقام ولایت امام علی و نقش او در پیشرفت اسلام و نقض صریح آیه قرآن	ولایت	اعتقادی	B4
A-02-7	کشتار شیعیان و دوستان امام علی(ع)	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	
A-02-8	ماهیت نامشروع دستگاه خلافت و وجوب جهاد	وجوب جهاد	رفتار اجتماعی	B5
A-02-9	خلافت آل ابی سفیان به جای امامان و فتنه بزرگ	خلافت شیاطین	اعتقادی	
A-02-10	برگشت توطئه و نیرنگ آل ابی سفیان بر خودشان به دلیل جهالت آنان	توطئه و نیرنگ	رفتار اجتماعی	B6
A-02-11	کشتن صحابه پیامبر اکرم(ص) در شرایط صلح با امام حسن و در شرایطی که آنها مؤمن به دین اسلام بودند مصداق بارز نقض عهد است.	عهد شکنی	رفتار اجتماعی	B7
A-02-12	کشتار صحابه مؤمن و ظلم و ستم علیه آنان	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	
A-02-13	کشتار صحابه به جهت بیان فضایل اهل بیت و دفاع از حقوق آنان که نماد نقض ولایت اولی الامر می باشد	ولایت	اعتقادی	
A-02-14	تذکر به معاویه با یادآوری قیامت و حسابرسی در برابر کردار زشت او	یادآوری قیامت	اعتقادی	B8
A-02-15	افشاگری دستگاه معاویه در کشتن بی گناهان با اتهام پراکنی به آنان	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	B9
A-02-16	افشاگری در گرفتن بیعت اجباری از مردم برای شخص نامشروع حکومت	خلافت شیاطین	اعتقادی	
A-02-17	افشاگری دستگاه یزید در سنت شکنی و پرداختن به لهو و لعب	سنت شکنی	اخلاق فردی	B10
A-02-18	توطئه بر علیه رعیت	توطئه و نیرنگ	رفتار اجتماعی	

A-02-19	ایجاد رعب و وحشت در قلوب مؤمنین در جهت حمایت از دستگاه جور و ظالم	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی
---------	---	------------	---------------

#### ۳-۴. تحلیل محتوای مذاکره امام حسین(ع) با عتبه

در مذاکره امام حسین(ع) با عتبه در مورد طلب بیعت برای یزید، بیان شده است که امام با تکیه بر سنت پیامبر اکرم(ص) از بیعت با آل ابی سفیان خودداری می‌کند(ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۱۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۱۲).

ردیف	جهت گیری	موضوع اصلی	نقطه تمرکز	کد
B1	اعتقادی	ولایت	قربان امامان با پیامبر، مقارنت آنها با قرآن و گویای حق بودن	A-03-1
B2	اعتقادی	خلافت شیاطین	حرام بودن خلافت آل ابی سفیان و بیعت با آنها	A-03-2

#### ۴-۴. تحلیل محتوای خطبه‌های امام حسین(ع) در میان سپاه حر

امام حسین(ع) در مواجهه با سپاه حر، در قالب موعظه و یادآوری فرمایشات پیامبر اکرم(ص) و افشاگری ظلم و بدعت دستگاه خلافت به سخنرانی پرداختند و با ترجیح شهادت و سعادت اخروی بر زندگی با ظالمان، مواضع خود را اعلام نمودند. در این خطبه‌ها ۱۵ مضمون استخراج شده است.(طبری، ج ۴، ص ۳۰۴؛ ابن شعبه حرانی، ص ۵۰۵؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۵۹)

ردیف	جهت گیری	موضوع اصلی	نقطه تمرکز	کد
B1	اعتقادی	ولایت	اهل بیت پیامبر بر امر ولایت مستحق تر هستند	A-04-1
	رفتار اجتماعی	ظلم و تعدی	انتصاب جایگاه خلافت با زور و قدرت و ظلم	A-04-2
	رفتار اجتماعی	عهدشکنی	عهدشکنی کوفیان در دعوت از امام و انکار کردن آن	A-04-3
B2	رفتار اجتماعی	حق شکنی در جامعه	کتمان حق و ترویج باطل و ترجیح سعادت اخروی بر زندگی با حاکمان باطل توسط امام	A-04-4
B3	رفتار اجتماعی	سنت شکنی	سنت شکنی با حلال کردن محرّمات الهی	A-04-5



A-04-6	عهدشکنی دستگاه خلافت در رویگردانی از اولی الامر	عهدشکنی	رفتار اجتماعی	B4
A-04-7	مخالفت با دین در ابعاد فردی	سنت شکنی	رفتار اجتماعی	B5
A-04-8	رفتار ظالمانه با بندگان خدا	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	B6
A-04-9	عدم اعتراض به دستگاه خلافت پیروی از شیاطین است	پیروی از شیاطین	اعتقادی	B7
A-04-10	رویگردانی قوم ظالم از اطاعت خداوند	ولایت	اعتقادی	B8
A-04-11	تعطیلی حدود الهی و تحریم و تحلیل حلال و حرام الهی	سنت شکنی	اخلاق فردی	B9
A-04-12	اعلام قرابت به پیامبر و اطاعت از اولی الامر	ولایت	اعتقادی	B10
A-04-13	دعوت امام از سپاه حر در پایداری بر دعوت و بیعت خود	عهدشکنی	رفتار اجتماعی	B11
A-04-14	بیعت با امام و اطاعت از ایشان موجب رشد و تعالی	ولایت	اعتقادی	
A-04-15	بی نیازی امام از بیعت آنان و نقض بیعت به زیان خود آنان است	عهدشکنی	رفتار اجتماعی	

#### ۵-۴. تحلیل محتوای مذاکرات امام حسین(ع) با سپاه شمر

امام حسین(ع) در برابر شمر بن ذی الجوشن و سپاه او که عهدشکنان کوفه هستند، با توجه به بی اصل و نسب بودن شمر، به معرفی اصل و نسب خود و قرابتش با پیامبر اکرم(ص) می پردازد و وجوب اطاعت از اولی الامر و وفاداری بر بیعتها را بیان می کند. انتخاب این مضامین احتمالاً به منظور ایجاد فرصت مقایسه در ذهن مخاطبان و نمایان کردن طریق حق و باطل بوده است(ر.ک: طبری، ج ۵، ص ۴۲۴؛ ابن نعمان، ج ۲، ص ۹۶؛ طبرسی، بی تا، ص ۲۴۲؛ ابن جوزی، ج ۵، ص ۳۴۰؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۶۹؛ شامی، ص ۵۵۲؛ ابن حلی، ص ۵۱).

ردیف	جهت گیری	موضوع اصلی	نقطه تمرکز	کد
B1	اعتقادی	ولایت	اطاعت از اوامر امام موجب سعادت و سرپیچی از آن و عداوت موجب شقاوت	A-05-1
B2	اعتقادی	ولایت	معرفی خود و تأکید بر بیان منزلت و قرابت خود با پیامبر اکرم(ص) که دلیل مهمی بر وجوب اطاعت از امام است	A-05-2

A-05-3	هتک حرمت امام با وجود اینکه نوه پیامبر اکرم و فرزند حضرت زهراست نشانه بارز ظلم و تعدی است	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	
A-05-4	دشمنی و عهدشکنی با امام با وجود فرستادن نامه و دعوت از ایشان	عهدشکنی	رفتار اجتماعی	B3
A-05-5	دوستی و فرمان برداری از حکومت نامشروع عین ذلت و استعاده بر خدا و اعلام براءت در شرایط ظلم عین آزادی	آزادی خواهی و ذلت گریزی	اخلاق فردی	B4

#### ۶-۴. تحلیل محتوای مذاکره امام حسین (ع) با عمر بن سعد

مهم ترین بخش از مذاکرات امام حسین (ع) در برابر لشگر عمر بن سعد است. او و لشگرش افراد دنیاخواه و لئیمی هستند که به وعده های دنیوی ابن زیاد فریفته شده اند. از این رو امام (ع) در این مذاکره بیشتر بر مسئله عهدشکنی، ظلم و نیرنگ دستگاه ابن زیاد تأکید می کند و برتری جهاد و شهادت در راه حق بر دنیاخواهی و ذلت را اعلام می کند (ر.ک: ابن شعبه حرانی، ص ۲۴۰؛ طبرسی، ج ۲، ص ۳۰۰؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۱۰؛ ابن طاووس، ص ۹۶؛ ابن نماحلی، ص ۵۴). از این مذاکره ۳۰ مضمون استخراج شده است:

کد	نقطه تمرکز	موضوع اصلی	جهت گیری	ردیف
A-06-1	اطاعت از مقام ولایت موجب سعادت و تعالی	ولایت	اعتقادی	B1
A-06-2	عصیان و سرپیچی از فرمان امام موجب هلاکت	ولایت	اعتقادی	B2
A-06-3	علت عدم اطاعت از امام حرام خوری و دنیاخواهی است	ولایت	اعتقادی	B3
A-06-4	دشمنی با امام و شمشیر کشیدن به ایشان با وجود دعوت و بیعت	عهدشکنی	رفتار اجتماعی	B4
A-06-5	دوستی با دشمن با وجود دعوت و بیعت	عهدشکنی	رفتار اجتماعی	B5
A-06-6	عدم اجرای عدالت توسط حاکم نماد ظلم و ستم حکومت	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	B6
A-06-7	عدم همراهی با امام و رویگردانی از ولایت به دلیل دنیاخواهی	ولایت	اعتقادی	B7

A-06-8	ظلم و تعدی علیه امام در اثر حرص دنیا	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	
A-06-9	سنت شکنی با عمل نکردن به قرآن	سنت شکنی	رفتار فردی	B8
A-06-10	حکومت جور پیرو شیاطین است	خلافت شیاطین	اعتقادی	B9
A-06-11	تحریف معنوی قرآن و رهاکردن سنت	سنت شکنی	رفتار فردی	B10
A-06-12	کشتن اولاد پیامبر اکرم	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	B11
A-06-13	گماردن افراد بی اصل و نسب در دستگاه حکومتی	سنت شکنی	رفتار اجتماعی	B12
A-06-14	آزار و اذیت مؤمنان	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	B13
A-06-15	پیروی از دستگاه جور و رهبران فاسد	خلافت شیاطین	اعتقادی	B14
A-06-16	تحریف معنوی قرآن	سنت شکنی	رفتار اجتماعی	B15
A-06-17	پیروان حاکمان ستمگر	پیروی از شیاطین	اعتقادی	B16
A-06-18	جنگجویی امر موروثی در حاکمان جور است	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	B17
A-06-19	عهد شکنی بنی امیه و حاکمان امثال آنان موروثی و امری ناگسستن است	عهد شکنی	رفتار اجتماعی	B18
A-06-20	اعلام انزجار خود از مردم کوفه به جهت بیعت شکنی با زبان تمثیل	عهد شکنی	رفتار اجتماعی	B19
A-06-21	ترجیح جهاد بر ذلت، دنیا خواهی و اطاعت از دشمن	جهاد	رفتار اجتماعی	B20
A-06-22	تأکید بر بی اصل و نسب بودن ابن زیاد که نماد سنت شکنی دستگاه خلافت در انتصاب قدرت ها است	سنت شکنی	رفتار اجتماعی	
A-06-23	ترجیح جهاد بر ذلت و مطیع و کشته شدن در راه افراد لئیم به دلیل نسل پاک و غیرت یک امت است	جهاد	رفتار اجتماعی	B21
A-06-24	کشته شدن در راه افراد لئیم نماد ذلت و جهاد در راه امامان نماد آزادی	آزادی خواهی و ذلت گریزی	اخلاق فردی	

A-06-25	اشاره بر جهاد در راه رهبران متعهد به اسلام	ولایت	اعتقادی	
A-06-26	شهادت مستمر امامان هرچند در نگاه دشمن شکست است اما موجب تعالی و رشد دولت‌های آینده اسلامی است	جهاد	رفتار اجتماعی	B22
A-06-27	نیرنگ و توطئه دشمن فقط برای سپاه اسلام نیست بلکه بین خود نیز فریب و نیرنگ دارند	توطئه و نیرنگ	رفتار اجتماعی	B23
A-06-28	ظلم دشمن به جهت تسلط خداوند بر عالم بی‌جواب و بدون انتقام نیست	ظلم و تعدی	رفتار اجتماعی	
A-06-29	اعلام فریب‌خوردگی و دنیاخواهی عمر از وعده‌های بی‌اعتبار ابن زیاد	دنیاخواهی	اخلاق فردی	B24
A-06-30	تأکید بر پست‌فطرتی و بی‌اصل و نسب بودن ابن زیاد	سنت‌شکنی	رفتار اجتماعی	B25
A-06-31	بیان دنیاخواهی عمر و امید بی‌اساس او بر زخارف دنیا	دنیاخواهی	اخلاق فردی	B26

#### ۵. تحلیل محتوای شرایط فرهنگی، اعتقادی و سیاسی جامعه

از کارکردهای تحلیل کیفی، آگاهی از شرایط فرهنگی جامعه بر اساس فراوانی موضوعات مطرح شده در گفتمان است (جانی پور و شکرانی، ۱۳۹۲، ص ۵۰). اطلاع از وضعیت جامعه با مطالعه کتب تاریخی نیز میسر می‌باشد؛ اما وجه ممیزه این مسیر با مسیر مطالعه کتب تاریخی این است که در عصر امام حسین (ع) با سه جبهه متضاد مواجه هستیم و تقابل اعتقادی و رفتاری آنان در این نوع مطالعه گفتمان، که از ویژگی عینیت برخوردار است، به وضوح نشان داده می‌شود.

جبهه اول امام حسین (ع) و یاران وفادار ایشان است که ولایت‌مداری، آزادی‌خواهی و ذلت‌گریزی، جهاد و دفاع در برابر دشمن در حفظ اسلام از ارزش‌های رفتاری آنان است. چنان‌که فرمودند: «فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ (ع) لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أُفْرِكُكُمْ إِفْرَازَ الْعَبِيدِ. ثُمَّ نَادَى يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ وَأَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ» (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۱۹).

جبهه دوم یزید، معاویه و حاکمان جور است که نقض ولایت پیامبر اکرم (ص) و اولوالأمر، ترویج تفکر سفیانی و مجبور کردن مردم در بیعت و ترک ولایت اولوالأمر با جبر و شکنجه، هتک حرمت امامان (ع) و از سوی دیگر سنت‌شکنی و دنیاخواهی از ویژگی رفتاری آنان است.

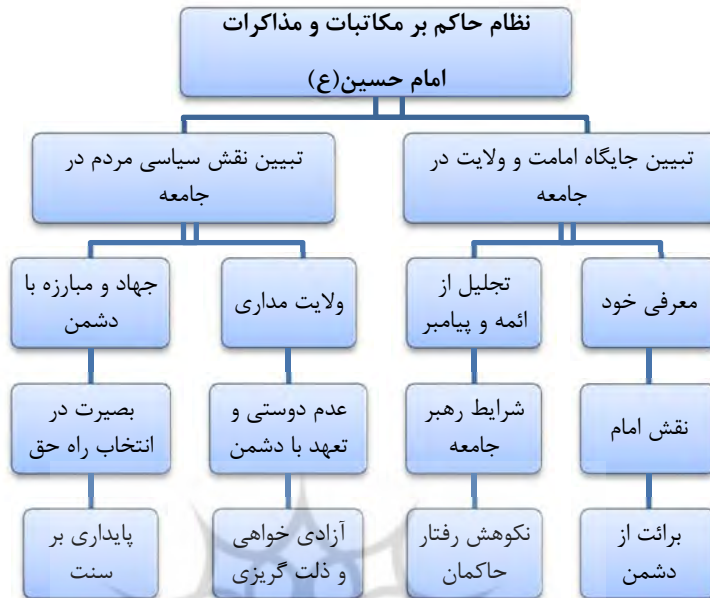
امام حسین(ع) درباره آنان می فرماید: «أَوْ لَسْتَ الْمُدَّعِي زِيَادَ ابْنِ سُمَيَّةَ الْمُؤَلَّودَ عَلَى فِرَاشِ عُبَيْدِ ثَقِيفٍ فَرَعَمَتْ أَنَّهُ ابْنُ أَبِيكَ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الْحَجْرُ فَتَرَكْتَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ تَعَمُّدًا وَ تَبِعْتَ هَوَاكَ بَعِيرٍ هُدَى مِنَ اللَّهِ ثُمَّ سَلَطْتَهُ عَلَى الْعِرَاقَيْنِ يَقْطَعُ أَيْدِيَ الْمُسْلِمِينَ وَ أَرْجُلَهُمْ وَ يَسْمُلُ أَعْيُنَهُمْ وَ يَصْلِبُهُمْ عَلَى جُدُوعِ النَّحْلِ كَأَنَّكَ لَسْتَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ لَيْسُوا مِنْكَ» (ابن قتیبه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴۶).

جنبه سوم، مردم گمراه و فریب خورده است که بر اساس خطبه های امام حسین(ع) در مواجهه با این جماعت و نمودار موضوعات آن، از ویژگی های آنان می توان به موارد ذیل اشاره کرد: عدم بصیرت در انتخاب ولی، پیمان شکنی، تعهد با دشمن، ترس و دنیاخواهی:

«تَبَا لَكُمْ أَيَّتْهَا الْجَمَاعَةُ وَ تَرَحُّأَ فَحِينِ اسْتَصْرَحْتُمُونَا وَ هَلِينِ مُتَحَيِّرِينَ فَأَصْرَحْتُمْ مُؤَدِّينَ مُسْتَعِدِّينَ سَلَلْتُمْ عَلَيْنَا سَيْفًا فِي رِقَابِنَا وَ حَشَشْتُمْ عَلَيْنَا نَارَ الْفِتَنِ حُبَّهَا عَدُوُّكُمْ وَ عَدُونَا فَأَصْبَحْتُمْ أَلْبَا عَلَى أَوْلِيَائِكُمْ وَ يَدَا عَلَيْهِمْ لِأَعْدَائِكُمْ بَعِيرٍ عَدَلٍ أَفْسُوهُ فِيكُمْ وَ لَا أَمَلٍ أَصْبَحَ لَكُمْ فِيهِمْ إِلَّا الْحَرَامُ مِنَ الدُّنْيَا أَنْالُوكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۰).

## ۶. آگاهی از ساختار حاکم بر مکاتبات و مذاکرات امام حسین(ع)

از مهم ترین کارکردهای تحلیل کیفی، اطلاع از منطقی و ساختار حاکم بر مکاتبات و مذاکرات است. هدف اصلی از به کارگیری روش تحلیل محتوا در پژوهش های میان رشته ای، کشف ساختار و نظام حاکم بر متون مورد مطالعه به منظور تصویرپردازی از محتوای کلی متون است. این کارکرد در نتیجه مجموع تحلیل های کمی حاصل می شود (ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۰ش، ص ۹۴). نمودار زیر، ساختار حاکم بر مکاتبات و مذاکرات امام حسین(ع) را نشان می دهد:



شکل ۴: نمودار نظام حاکم بر مکاتبات و مذاکرات امام حسین (ع)

این ساختار بر اساس سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی مکاتبات و مناظرات امام حسین (ع)، استخراج شده است در ذیل برای هر کدام از بخش‌ها، نمونه‌ای از کلام امام (ع) ذکر می‌شود:

**الف) تبیین جایگاه امامت و ولایت در جامعه:** «يَا عْتَبَةُ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِ الْكِرَامَةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ أَعْلَامُ الْحَقِّ الَّذِينَ أَوْدَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قُلُوبَنَا وَ أَنْطَقَ بِهِ أَلْسِنَتَنَا فَتَطَقَتْ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ الْخِلَافَةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَيَّ وَ لِدِ أَبِي سُفْيَانَ وَ كَيْفَ أُتَابِعُ أَهْلَ بَيْتِ قَدْ قَالَ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۱۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۱۲).

**الف - ۱) معرفی خود، تجلیل از ائمه اطهار (ع) و برائت از دشمنان:** «فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَجِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُعَيَّرْ يَقُولُ وَ لَا يَفْعَلُ كَانَ حَقِيقًا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَوَلَّوْا عَنِ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ عَطَلُوا الْحُدُودَ وَ اسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَةِ وَ أَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَ حَرَّمُوا حَلَالَهُ وَ إِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ لِقَرَاتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص» (طبری، ج ۴، ص ۳۰۴؛ ابن شعبه حرانی، ص ۵۰۵؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۵۹).

**الف - ۲) نکوهش رفتار حاکمان جامعه:** «أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ الْقَلَةِ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مَا أَخَذَ الدَّيَّيَّةَ أَبِي اللَّهِ ذَلِكَ وَ رَسُولُهُ وَ جُدُودٌ طَابَتْ وَ حُجُورٌ طَهَّرَتْ وَ أُتُوفُّ

حَمِيَّةٌ وَ نُفُوسٌ أَيْبَةٌ لَا تُؤْتَرُ مَصَارِعَ اللَّقَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ أَلَا قَدْ أَعْدَرْتُ وَ أَعْدَرْتُ أَلَا إِنِّي زَا حِفٌّ بِهَذِهِ الْأُسْرَةِ عَلَى قَلَّةِ الْعِتَادِ وَ خُدَلَةِ الْأَصْحَابِ» (ابن شعبه حرانی، ص ۲۴۰؛ طبرسی، ج ۲، ص ۳۰۰).

در این قسمت از کلام امام(ع)، آزادی خواهی و ذلت گریزی به عنوان نمونه‌ای از شرایط رهبر جامعه، نقش امام و همچنین بصیرت مردم در انتخاب راه حق، ذکر شده است.

#### ب) تبیین نقش سیاسی مردم در جامعه

ب - ۱) عدم دوستی و تعهد با دشمن: «لَا وَ اللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَ لَا أُزِيْرُ لَكُمْ إِفْرَارَ الْعَبِيدِ. ثُمَّ نَادَى يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونَ وَ أَعُوذُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ» (طبرسی، ج ۵، ص ۴۲۴).

ب - ۲) ولایت مداری و پایداری بر سنت پیامبر اکرم(ص): «وَ قَدْ أَتَيْتَنِي كُتُبُكُمْ وَ قَدِمْتُمْ عَلَيَّ رُسُلَكُمْ بِيَبَعِيكُمْ أَنْكُمْ لَا تُسَلِّمُونِي وَ لَا تَخْدُلُونِي فَإِن وَفَيْتُمْ لِي بِيَبَعِيكُمْ فَقَدْ أَصَبْتُمْ حَطَّكُمْ وَ رُسُدَكُمْ وَ نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي مَعَ أَهْلِيكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ فَلَكُمْ فِي أَسْوَةِ وَ إِن لَمْ تَفْعَلُوا وَ نَفَضْتُمْ عُهْدَكُمْ وَ خَلَعْتُمْ بَيْعَتَكُمْ فَلَعْمَرِي مَا هِيَ مِنْكُمْ بِنُكْرٍ لَقَدْ فَعَلْتُمُوهَا يَا بِي وَ أَحِي وَ ابْنِ عَمِّي وَ الْمَعْرُورُ مِنْ اغْتَرَّ بِكُمْ فَحَطَّكُمْ أَحْطَأْتُمْ وَ نَصَبِيكُمْ ضَبَعْتُمْ - فَمَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ سَيُغْنِي اللَّهُ عَنْكُمْ وَ السَّلَامُ» (ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۵۹).

ب - ۳) جهاد و مبارزه با دشمن: «وَ قُلْتُ فِيمَا قُلْتُ أَنْظِرْ لِنَفْسِكَ وَ لِدِينِكَ وَ لِأُمَّةِ مُحَمَّدٍ وَ اتَّقِ شَقَّ عَصَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَنْ تَرُدَّهُمْ إِلَى فِتْنَةٍ وَ إِنِّي لَا أَعْلَمُ فِتْنَةً أَعْظَمَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ وَلَايَتِكَ عَلَيْهَا وَ لَا أَعْلَمُ نَظْرًا لِنَفْسِي وَ لِدِينِي وَ لِأُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَ عَلَيْنَا أَفْضَلَ مِنْ أَنْ أَجَاهِدَكَ فَإِن فَعَلْتُ فَإِنَّهُ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ وَ إِن تَرَكْتَهُ فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِدُنْيِي وَأَسْأَلُهُ تَوْفِيقَهُ لِإِرْشَادِ أَمْرِي» (ابن قتیبه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۳۷ و ۱۴۶؛ بلاذری، ۱۹۷۴م، ج ۲، ص ۱۱۹).

#### ۷. مقوله بندی مضامین مکاتبات و مذاکرات امام حسین(ع)

اگر مراحل مختلف مربوط به تحلیل ابتدایی با دقت انجام شده باشند، مرحله تحلیل نهایی و استخراج مقولات، چیزی جز اداره کردن اطلاعات منظم اخذ شده نخواهد بود. این مرحله عبارت است از تحلیل محتوای توصیفی بر اساس تحلیل محتوای کمی داده‌ها (باردن، ۱۳۷۵، ص ۱۱۴). در این مرحله که خلاصه‌ای از یافته‌ها و ایده‌های کل فرایند تحقیق است، محقق به تجزیه و تحلیل ذهنی بیشتری می‌پردازد.

نتیجه‌گیری کاری انتزاعی و فکری اما متکی بر تجزیه و تحلیل داده‌ها است که منطق و قدرت استدلال محقق جایگاه ویژه‌ای در آن دارد (عزتی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۴۹). انجام فرایند به این ترتیب است که در مرحله مضمون‌گیری و طرح جدول تحلیل محتوای مضمونی، مضامین

مورد دسته‌بندی قرار می‌گیرد و موضوعات پیشنهادی، جهت ساخت مقولات نهایی مطرح می‌شود. این مقولات با رویکرد مدل‌سازی استخراج شده و باید مکمل یکدیگر باشند (جانی‌پور، ۱۳۹۰ش-الف، ص ۲۹۵).

در این مرحله کمیت و فراوانی‌های به‌دست آمده اهمیت دارد، زیرا رویکردهای مهم یک موضوع را تبیین می‌نماید. تأکید بر یک مطلب و تکرار آن به دفعات بیانگر این است که موضوع، برای گوینده بسیار با اهمیت است. بنابراین نتیجه‌گیری بر اساس بالاترین فراوانی امری ساده و دقیق خواهد بود.

#### ۷-۱. مقوله «ولایت» و ارائه مدل منطقی آن

در این قسمت مضامین فرعی که در خطبه‌ها و نامه امام حسین (ع) مطرح شده است، مقوله‌بندی می‌شود تا در نتیجه مدل نهایی حاصل شود. ابتدا مضامینی که به نحوی به مسئله «ولایت» اشاره داشته استخراج و در دسته‌بندی‌های مرتبط با خود، جای داده شده‌اند:

مقوله	مضامین	کد شناسه	فراوانی
علل شایستگی امام برای مقام ولایت	احد الثقلین بودن امامان معصوم (ع) و پیروان آنان	A-1-2	۷
	قربانیت امامان به پیامبر اکرم (ص) و مقام عصمت دلیل وجوب اطاعت از آنان	A-1-3	
	تفسیر و تأویل قرآن برعهده امان (ع) بدون تضييع احکام آن توسط امامان	A-1-5	
	وجوب اطاعت از پیامبر و اولی الامر با مقارنت به اطاعت الهی (نساء: ۵۹)	A-1-6	
	قربانیت امامان با پیامبر (ص)، مقارنت آنها با قرآن و گویای حق بودن	A-3-1	
	اهل بیت پیامبر (ص) بر امر ولایت مستحق‌تر است	A-4-1	
	اعلام قربانیت به پیامبر (ص) و اطاعت از اولی الامر	A-4-12	
ویژگی‌ها و نقش مقام ولایت	پیروزی مستمر اولی الامر (ع) و پیروان آنان	A-1-1	۱۷
	تفسیر و تأویل قرآن برعهده امامان بدون تضييع احکام آن توسط امامان	A-1-5	
	شهادت امامان موجب تعالی و رشد دولت‌های آینده اسلام است	A-6-26	
	مبارزه علیه دستگاه معاویه به جهت شیطانی بودن سیاست‌ها	A-2-1	
	نکوهش معاویه در قتل حجر بن عدی و عمرو بن الحمق	A-2-2	

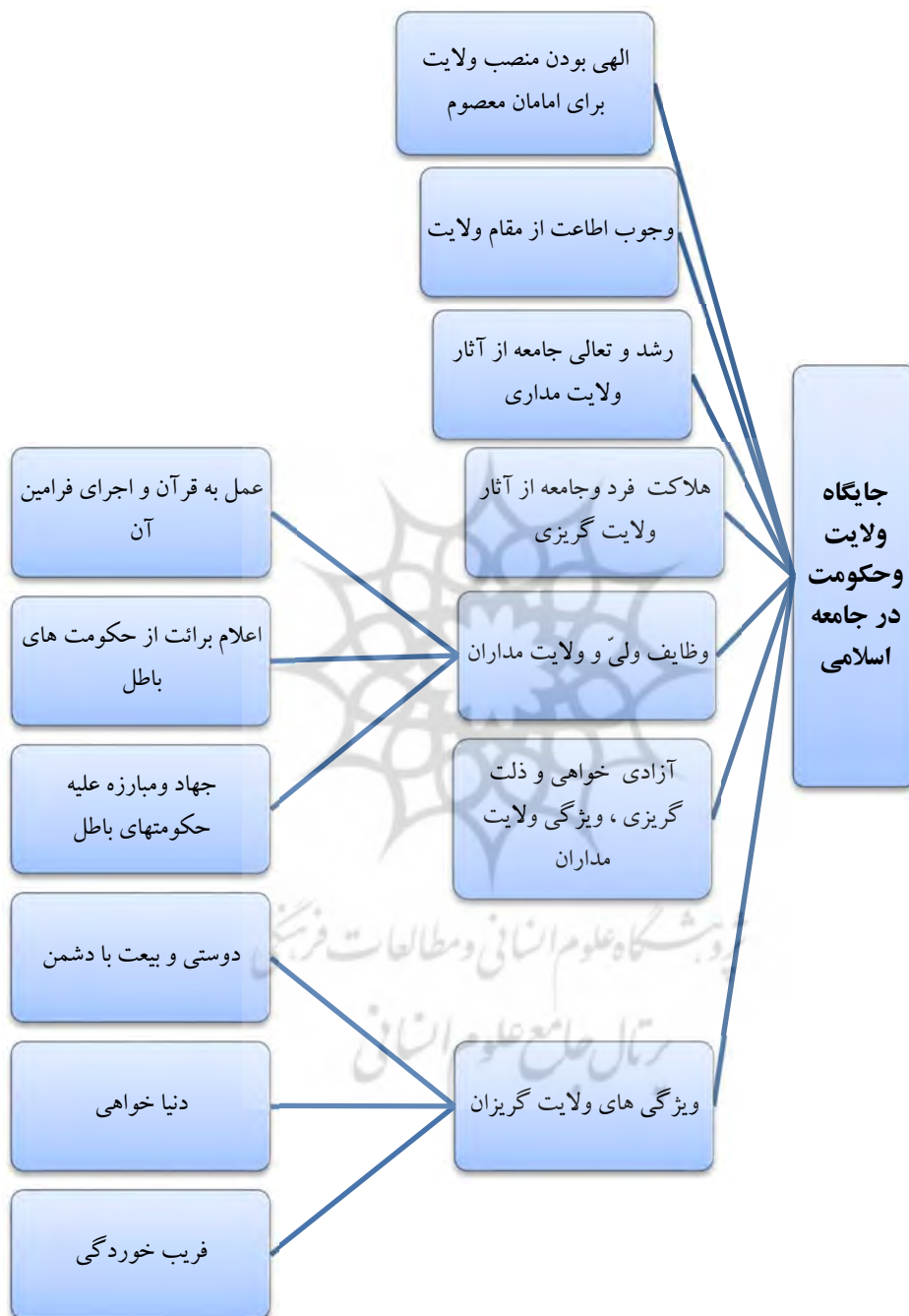


	A-2-3	نکوهش معاویه در عهدشکنی او نسبت به صحابه‌ای که امان داده بود	
	A-2-8	ماهیت نامشروع دستگاه خلافت و وجوب جهاد	
	A-2-15	افشاگری علیه دستگاه معاویه در کشتن بی‌گناهان با اتهام پراکنی به آنها	
	A-6-20	اعلام انزجار خود از مردم کوفه به جهت بیعت شکنی	
	A-2-16	افشاگری در گرفتن بیعت اجباری از مردم برای شخص نامشروع حکومت	
	A-2-17	افشاگری علیه دستگاه یزید در سنت‌شکنی و پرداختن به لهو و لعب	
	A-4-4	ترجیح سعادت اخروی بر زندگی با حاکمان باطل توسط امام	
	A-4-13	دعوت امام از سپاه حرّ در پایداری بر دعوت و بیعت خود	
	A-5-5	دوستی و فرمان‌برداری از حکومت نامشروع عین ذلت و استعاده بر خدا و اعلام برائت در شرایط ظلم عین آزادی	
	A-6-21	ترجیح جهاد بر دنیاخواهی و اطاعت از دشمن	
۱۱	A-4-12	اطاعت از اولی الامر	وظایف و ویژگی ولایت مداران
	A-4-14	بیعت با امام و اطاعت از ایشان موجب رشد و تعالی	
	A-6-25	جهاد در راه رهبران متعهد به اسلام	
	A-1-6	وجوب اطاعت از پیامبر و اولی الامر با مقارنت به اطاعت الهی (آیه ۵۹ نساء)	
	A-1-3	قربانیت امامان به پیامبر اکرم(ص) و مقام عصمت دلیل وجوب اطاعت از آنان	
	A-2-1	مبارزه علیه دستگاه معاویه به جهت شیطنانی بودن سیاست‌ها	
	A-2-8	ماهیت نامشروع دستگاه خلافت و وجوب جهاد	
	A-5-5	دوستی و فرمان‌برداری از حکومت نامشروع عین ذلت و استعاده بر خدا اعلام برائت در شرایط ظلم عین آزادی	
	A-6-21	ترجیح جهاد بر ذلت دنیاخواهی و اطاعت از دشمن	
	A-6-23	ترجیح جهاد بر مطیع و کشته شدن در راه افراد لئیم به دلیل نسل پاک و غیرت یک امت	
	A-6-24	کشته شدن در راه افراد لئیم نماد ذلت و جهاد در راه امامان نماد آزادگی	
۱۲	A-2-6	نادیده گرفتن مقام ولایت امام علی(ع) و نقش او در پیشرفت اسلام و نقض صریح آیه قرآن	

	A-3-2	حرام بودن خلافت آل ابی سفیان و بیعت با آنها	ویژگی ولایت گریزان
	A-4-10	رویگردانی قوم ظالم از اطاعت خداوند	
	A-6-3	علت عدم اطاعت از امام حرام خواری و دنیاخواهی است	
	A-6-7	عدم همراهی با امام و رویگردانی از ولایت به دلیل دنیاخواهی	
	A-4-9	عدم اعتراض به دستگاه خلافت پیروی از شیاطین است	
	A-5-5	دوستی و فرمان برداری از حکومت نامشروع عین ذلت و استعاده بر خدا اعلام برائت در شرایط ظلم عین آزادی	
	A-6-5	دوستی با دشمن با وجود دعوت و بیعت	
	A-6-8	ظلم و تعدی علیه امام در اثر حرص دنیا	
	A-6-15	پیروی از دستگاه جور و رهبران	
	A-6-27	نیرنگ و توطئه دشمن بین خود و همچنین علیه اسلام	
	A-6-29	اعلام فریب خوردگی و دنیاخواهی عمر از وعده‌های بی اعتبار ابن زیاد	
	A-6-31	بیان دنیاخواهی عمر و امید بی اساس او بر زخارف دنیا و وعده‌ها	
۳	A-4-14	بیعت با امام و اطاعت از ایشان	آثار ولایت پذیری
	A-5-1	اطاعت از اوامر امام موجب سعادت و سرپیچی از آن و عداوت موجب شقاوت	
	A-6-1	اطاعت از مقام ولایت موجب سعادت و تعالی	
۳	A-2-13	کشتار صحابه به جهت بیان فضایل اهل بیت (ع) و دفاع از حقوق آنان که نماد نقض ولایت اولوالأمر می باشد	آثار ولایت گریزی
	A-5-1	اطاعت از اوامر امام موجب سعادت و سرپیچی از آن و عداوت موجب شقاوت	
	A-6-2	عصیان و سرپیچی از فرمان امام موجب هلاکت	

شکل ۵: نمودار جایگاه ولایت و حکومت در کلام امام حسین (ع)

این مرحله حل مسئله دیدگاه امام حسین (ع) درباره هویت دشمنان و فرماندهان آنان را تسهیل خواهد کرد. برای موارد مطرح شده، مدل منطقی زیر قابل ارائه است:



شکل ۶: نمودار مدل منطقی جایگاه ولایت در جامعه اسلامی از منظر امام حسین(ع)

## ۲-۷. مقوله «قیام عاشورا» و مدل منطقی آن

در این مرحله با بیان مدل تحلیل منطقی یک جنگ از منظر کارشناسان فن، به این نکته توجه خواهد شد که امام حسین(ع) در خلال مکاتبات و مذاکرات، به سه بخش از این مدل توجه ویژه داشته‌اند و با تمام جزئیات در مکاتبات و مذاکرات خود بیان کرده‌اند. سپس این سه بخش بر اساس تحلیل‌های قبلی پیگیری خواهد شد.

آنچه کارشناسان فن بیان کرده‌اند، برای تحلیل منطقی یک جنگ لازم است که به موارد و نکات زیر پرداخته شود: «ریشه‌ها و علل شکل‌گیری، شخصیت فرماندهان، شخصیت پیروان هرکدام از طرفین، وضعیت زمانی و مکانی، چگونگی جنگ، آسیب‌ها و تلفات، غنائم، نتایج و پیامدها، درس‌ها و عبرت‌ها» (رضایی، ۱۳۸۶، ص ۳۴ به نقل از جانی پور، ۱۳۹۰، الف، ص ۶۵). سه بخشی که از میان بیانات امام قابل تحلیل و استخراج می‌باشد عبارتند از: ریشه‌های قیام عاشورا، شخصیت فرماندهان دشمن، شخصیت پیروان آنان.

### ۲-۷-۱. ریشه‌های قیام عاشورا

بر اساس تحلیل‌های پیشین، امام حسین(ع) ریشه‌های قیام عاشورا را در چهار چیز می‌داند:

۱. بی‌ایمانی و عدم اعتقاد معاویه، یزید و حاکمان دیگر به قرآن، سنت پیامبر اکرم(ص) و ولایت امامان(ع) به طوری که در گرفتن منصب ولایت به معاویه می‌فرمایند: «لَا أَعْلَمُ فِتْنَةً أَعْظَمَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ وَلَايَتِكَ عَلَيْهَا».

۲. بیعت شکنی مردم با امام(ع) و دوستی با دشمن،

۳. فریب‌خوردگی مردم و پیروی از شیاطین و حاکمان ستمگر،

۴. دنیاپرستی و حکومت طلبی.

### ۲-۷-۲. شخصیت فرماندهان دشمن و پیروان آنان

نکته قابل توجه در کلام امام حسین(ع) در ارتباط با شخصیت حاکمان و پیروان آنان، تفکیک ویژگی اخلاقی، اعتقادی و رفتار اجتماعی است. مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی حاکمان عصر امام(ع) و پیروان آنان در کلام ایشان موارد زیر می‌باشد؛ فرمایش امام(ع) در هر مورد به صورت گزیده بیان شده است:

۱. در بُعد اعتقادی، عدم اعتقاد به پیامبر اکرم(ص) و سنت ایشان، قیامت، قرآن و ولایت اولی‌الأمر(ع) که مهم‌ترین ویژگی اعتقادی دشمن می‌باشد. امام خطاب به دشمن و افشاگری اقدامات دستگاه حاکم، با این عبارتها به آن موارد اشاره کردند: «مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»، «لَا يَخَافُونَ فِي اللَّهِ»، «فَتَرَكْتَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ تَعْمُدًا»، «فَكَتَبْتَ إِلَيْهِ أَنْ أَقْتُلَ كُلَّ مَنْ كَانَ عَلَى دِينِ عَلِيِّ فَقَتَلَهُمْ»، «أَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ». و نیز بارها تحریف معنوی قرآن

توسط حاکمان را اعلام فرمودند: «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» و «نَبَدَةَ الْكِتَابِ مُحَرِّبِي الْكِتَابِ وَ مُطْفِئِي السُّنَنِ».

۲. سنت شکنی: سنت شکنی‌ها در میان دشمنان در دو بعد فردی و اجتماعی رواج داشت. در بعد فردی اموری مانند تحریم و تحلیل حرام و حلال الهی و اشتغال به لهو و لعب و در بعد اجتماعی، گم‌کردن افراد ناشایست در مناصب حکومتی. در اعتراض به معاویه به جهت اینکه دستگاه حاکم با نقض سنت پیامبر اکرم (ص) اداره امور مملکتی را به شخص بی‌اصل و نسب (زیاد بن سمیه) واگذار کرده فرمودند: «فَتَرَكْتَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ تَعْمُدًا وَ تَبِعْتَ هَوَاكَ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ ثُمَّ سَلَطْتَهُ عَلَى الْعِرَاقِ يَقْطَعُ أَيْدِيَ الْمُسْلِمِينَ...»، «مُلْحِقِي الْعُهَارِ بِالنَّسَبِ» و «عَطَّلُوا الْحُدُودَ وَ اسْتَأْتَرُوا بِالْفِيءِ». در مورد بدعت گذاری هایشان نیز فرمودند: «يَسْتَعْظَمُونَ الْبِدْعَ».

۳. دشمنی با خاندان اهل بیت، صحابه و مردم: این مورد شامل کشتار، اتهام پراکنی و گرفتن بیعت اجباری با ایجاد رعب و وحشت می‌باشد. ایشان علاوه بر اینکه آگاهی از کشتن صحابه از جمله حجر بن عدی را به معاویه اعلام کردند، فرمودند: «يَا مُعَاوِيَةُ بِالْقَصَاصِ وَ اسْتَبْقَيْنَ بِالْحِسَابِ وَ اعْلَمَنَّ أَنَّ لِلَّهِ تَعَالَى كِتَابًا - لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَ لَيْسَ اللَّهُ يَنْسِي لِأَخِيكَ بِالظَّنَّةِ وَ فَتْلِكَ أَوْلِيَاءَهُ عَلَى الثُّهَمِ وَ نَفِيكَ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ دُورِهِمْ إِلَى دَارِ الْعُرْبَةِ وَ أَخَذِكَ النَّاسَ بَبَيْعَةٍ» (ابن قتیبه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴۶). خطاب به مردم در مورد دستگاه حاکم فرمودند: «يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۰۴).

۴. پیروی از هوای نفس و اطاعت شیطان: «أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ».

۵. کتمان حقایق و ترویج باطل: این مورد از رفتارهای حاکمان و مردم موجب انزجار امام (ع) از آنان شد، به طوری که شهادت را بر زندگی با حاکمان ترجیح دادند و فرمودند: «مَا قَدْ تَرَوْنَ وَ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَعَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَدْبَرَ مَعْرُوفُهَا وَ اسْتَمَرَّتْ حِدَاءً وَ لَمْ تَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابَةٌ كَصُبَابَةِ الْإِنَاءِ وَ حَسِيسٌ عَيْشٍ كَالْمَرْعَى الْوَيْبِلِ أَلَا تَرَوْنَ إِلَى الْحَقِّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ إِلَى الْبَاطِلِ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۸۱).

۶. عهد شکنی: امام (ع) این ویژگی دستگاه حاکم را به عنوان خصوصیتی اعلام کردند که در میان آنان نهادینه شده و همه برنامه‌ها و رهاوردهای آنان مبتنی بر آن است: «إِنَّا نَحْذَرُونَ أَجَلَ وَ اللَّهُ الْحَذَلُ فَيْكُمْ مَعْرُوفٌ وَ شَجَتْ عَلَيْهِ عُرُوفُكُمْ وَ تَوَارَتْهُ أُصُولُكُمْ وَ فُرُوعُكُمْ وَ نَبَتْ عَلَيْهِ قُلُوبُكُمْ وَ عَشِيَتْ صُدُورُكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۹).

۷. توطنه و نیرنگ علیه مردم و رعیت: معاویه با عنوان «فتنه عثمان» سعی در فریب مردم و شوریدن مردم علیه علویان داشت. براین اساس، امام (ع) خطاب به معاویه فرمودند: «عَشَشْتَ

رَعَيْتَكَ» و اعلام کردند نیرنگ و توطئه دشمن صرفاً علیه جناح مخالف نیست، بلکه در بین خود نیز دست به نیرنگ می‌زنند و خطاب به عمر بن سعد می‌فرماید: «يَا عَمْرُ أَنْتَ تَقْتُلُنِي تَزْعُمُ أَنْ يُؤَيِّتِكَ الدَّعِيُّ ابْنُ الدَّعِيِّ بِلَادِ الرَّيِّ وَ جُرْجَانَ وَاللَّهِ لَا تَنْهَنَّا بِذَلِكَ أَبَدًا عَهْدًا مَعْهُودًا فَاصْنَعْ مَا أَنْتَ صَانِعٌ فَإِنَّكَ لَا تَفْرُحُ بَعْدِي بِدُنْيَا وَ لَا آخِرَةٍ». همچنین خطاب به سپاه او می‌فرماید: «أَلَا تَمُّ لَا تَلْبَثُونَ بَعْدَهَا إِلَّا كَرِهْتُمْ مَا يُرَكَّبُ الْفَرَسُ حَتَّى تَدُورَ بِكُمْ الرَّحَى عَهْدُ عَهْدَهُ إِلَيَّ أَبِي عَنْ جَدِّي فَأَجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونَ جَمِيعًا».



شکل ۷. نمودار شخصیت حاکمان و فرمانروایان دشمن از منظر امام حسین (ع)

## نتیجه گیری

۱. تحقیق در اسناد و منابع مکاتبات و مذاکرات امام حسین(ع) حاکی از آن است که این مکاتبات در کهن ترین منابع تاریخی مانند الامامه و السیاسه، انساب الاشراف و تاریخ طبری، توسط ابومخنف و مدائنی بیان شده و بعد در منابع حدیثی دیگر مانند تحف العقول و بحارالانوار نیز نقل شده است. اسناد مکاتبات و مذاکرات به دلیل تواتر در نقل، کهن بودن منابع آن و همچنین موثق بودن ابومخنف و مدائنی از دیدگاه محدثان، حکم قطعی به ضعف سند آنها نمی توان کرد.
۲. بر اساس نمودار فراوانی واژه‌ها، نام پیامبر اکرم(ص) بالاترین فراوانی را دارد و این حاکی از آن است که امام حسین(ع) در سخنان خود ضمن برخی از استنادات به قرآن بر فرمایشات و سنت پیامبر اکرم(ص) بیشترین استناد و یادآوری را داشته‌اند.
۳. بر اساس نمودار فراوانی موضوعات، موضوعاتی که در حوزه ولایت خدا، پیامبر(ص) و امامان معصوم علیهم السلام و اطاعت از آنان می‌باشد، بالاترین فراوانی را دارد و مبین آن است که امام(ع) در گفتار خود سعی بر این دارند که موضوع ولایت امام(ع) به عنوان یکی از پایه‌های حکومت اسلام، در کنار مسئله مشروعیت و مبتنی بر سنت پیامبر اکرم(ص) و قرآن، شایستگی خود برای خلافت را اعلام کنند. از سوی دیگر نگاه جامع و کلی بر مجموع مکاتبات و مذاکرات مبین آن است که امام(ع) دو مسئله خطیر جامعه اسلام یعنی ولایت و حکومت و مسئولیت سیاسی مردم را در گفتار خود پی‌جویی کرده‌اند.
۴. در مدل منطقی ولایت در جامعه اسلامی از دیدگاه امام(ع)، آزادی‌خواهی و ذلت‌گریزی ویژگی بارز ولایت مداران و دوستی و بیعت با دشمنان، دنیاخواهی و فریب زدگی از ویژگی‌های ولایت‌گریزان است. رشد و تعالی فرد و جامعه از آثار ولایت مداری و هلاکت فرد و جامعه از آثار ولایت‌گریزی می‌باشد.
۵. امام(ع) در خلال سخنان خود مسائل مرتبط با شخصیت معاویه، یزید و سایر حاکمان و فرماندهان و همچنین علل مخالفت و دشمنی آنان با اهل بیت(ع) را بیان کرده‌اند، که بر اساس مدل تحلیلی یک جنگ شامل دو موضوع «شخصیت فرماندهان» و «علل شکل‌گیری جنگ» می‌باشد و از اهمیت بالایی در تحلیل یک واقعه نظامی برخوردار است.
۶. در موضوع شخصیت فرماندهان، عدم اعتقاد صحیح به خداوند، سنت پیامبر اکرم(ص)، ولایت ائمه و قیامت از ویژگی‌های اعتقادی آنان و سنت‌شکنی، گماردن افراد نالایق به مناصب حکومتی، انحراف طلبی با تحریف معنوی قرآن، ترویج باطل و کتمان حقایق، گرفتن بیعت اجباری و کشتار مؤمنان بی‌گناه، پیمان‌شکنی، خدعه و نیرنگ و دنیاپرستی از ویژگی اخلاقی و

رفتاری است. در میان این ویژگی‌ها پیمان‌شکنی و خدعه و نیرنگ از دیدگاه امام(ع) ویژگی مشترک همه حکومت‌های باطل می‌باشد.

۷. از دیدگاه امام(ع) ریشه قیام و دشمنی آنان با علویان در: ۱. مشکلات اعتقادی، ۲. بیعت شکنی مردم با امام(ع) و دوستی با دشمن، ۳. فریب‌خوردگی مردم و پیروی از شیاطین و حاکمان ستمگر، و ۴. دنیاپرستی و حکومت طلبی می‌باشد.

### کتاب‌نامه:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، عزالدین(۱۴۱۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالکتب العربی.
۳. ابن العدیم، کمال الدین(بی تا)، *بغیة الطلب*، بی جا: دارالفکر.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی(شیخ صدوق) (۳۷۶ش)، *الامالی*، تهران: نشر کتابچی.
۵. ابن تعزی بردی، یوسف(بی تا)، *النجوم الزاهرة*، مصر: وزارة الثقافة.
۶. ابن جوزی، جمال الدین(۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی(۱۴۰۶ق)، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۸. ابن خلکان، شمس الدین(۱۹۰۰م)، *وفیات الاعیان*، بیروت: دارصادر.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی(۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین قم.
۱۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی(۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب*، قم: علامه.
۱۱. ابن عساکر، علی بن حسن(۱۴۱۵ق)، *تاریخ دمشق*، بی جا: دارالفکر.
۱۲. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم(۱۴۱۸ق)، *الامامة و السياسة*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق(۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، بیروت: دارالمعرفت.
۱۴. ابن نعمان، محمد(شیخ مفید)، (۱۴۱۳ق)، *الارشاد*، قم: کنگره شیخ مفید.
۱۵. ابن نماحلی، جعفر بن محمد(۱۴۰۶ق)، *مشیرالاحزان*، قم: مدرسه امام مهدی.
۱۶. ابومنخف کوفی، لوط بن یحیی(۱۴۱۷ق)، *وقعة الطف*، قم: جامعه مدرسین.
۱۷. باردن، لورنس(۱۳۷۵ش)، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر(۱۹۷۴ق)، *انساب الاشراف*، تحقیق محمد باقرالمحمودی، بیروت: مؤسسه الأعلمی.



۱۹. جانی پور، محمد(۱۳۹۰ش-الف)، *اخلاق در جنگ*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۲۰. جانی پور، محمد(۱۳۹۰ش-ب)، «جایگاه نماز در اندیشه امام رضا(ع)»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، دوره نهم، ش ۱.
۲۱. جانی پور، محمد، شکرانی، رضا(۱۳۹۲)، «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، *دوفصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث*، دوره چهل و شش، ش ۲.
۲۲. حموی، یاقوت(۱۴۱۱ق)، *معجم الادباء*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. خطیب بغدادی، ابوبکر(۱۴۲۲ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالغرب.
۲۴. خوئی، ابوالقاسم(۱۳۹۸ق) *معجم رجال الحدیث*، نجف: مبعه الوداب.
۲۵. ذهبی، شمس‌الدین(۱۳۸۲ش)، *میزان الاعتدال*، بیروت: دارالمعرفه.
۲۶. شامی، یوسف بن حاتم(۱۴۲۰ق)، *الدرالنظیم*، قم: جامعه مدرسین.
۲۷. شهرزوری، محمد بن عثمان(۱۹۸۴م)، *مقدمه ابن صلاح*، بیروت: مکتبه الفارابی.
۲۸. صفدی، صلاح‌الدین(۱۴۲۰ق)، *الوافی بالوفیات*، بیروت: داراحیاء التراث.
۲۹. طبرسی، احمد بن علی(۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج*، مشهد: نشر مرتضی.
۳۰. طبری، محمد بن جریر(۱۴۰۷ق)، *تاریخ الامم و الرسل و الملوک*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۱. طوسی، محمد بن الحسن(۱۳۵۱ش)، *الفهرست*، مشهد: دانشگاه مشهد.
۳۲. عزتی، مرتضی(۱۳۷۶ش)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
۳۳. قنوجی، صدیق بن الحسن(۱۹۷۸م)، *ابجد العلوم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۴. کرپیندورف، کلوس(۱۳۷۸ش)، *مبانی روش شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران: انتشارات روش.
۳۵. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان(۱۳۸۱ش)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا.
۳۶. مجلسی، محمدباقر(۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: داراحیاء التراث.
۳۷. ملحم، عدنان محمد(۱۹۹۶م)، *المورخون العرب و الفتنة الكبرى*، بیروت: دارالطبعة.
۳۸. نوری طبرسی، میرزا حسین(۱۳۷۵ش)، *اللؤلؤ والمرجان فی آداب المنبر*، تحقیق: شیخ ابراهیم بدوی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۹. هولستی، آل آر (۱۳۷۳ش)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
40. Elo, satu & Kyngas, Helvi, (2007), "The Qualitative Content Analysis Process", *Journal Wihey Online Librery*, Vol.3, No1.
41. Hsiu Fang, Hsieh & Shannon, Sara.E, (2005), "Three Approaches To Qualitative Content Analysis", *Qualitative Health Research*, November.
42. Mayring, Philip, (2000), "Qualitative Content Analysis", *Qualitative Social Research*, Vol.1, No2.
43. Thomas, David.R, (2006), "A General Inductive Approach for Qualitative Data Analysis", *American Journal of Evaluation*, Vol.27, No.2.
44. Zhang, Yan & Wildemuth, Barbara.M, (2007), "Qualitative Analysis of Content", *Inils: Unc Edu*.



## **An Analysis Content of Letters and Expressions of Imam Hossein in the Rede of Resurrection Ashora and Extrusion Logical Model**

**Fathiyeh Fattahizadeh**<sup>7</sup>

**Hamideh Babazadeh**<sup>8</sup>

Imam hossein's letters and expression is mentioned in the old and valid historical sources that are trustworthy source in research of imam's viewpoint about background of resurrection ashore and character of commanders, kings and theme followers by method analysis content. Frequency measurement charts of word and themes that extrusion from imam hossein's letters and expression shows considered most usable themes is guardianship themes and presented logical model Explainer that the toleration and escape humiliation are feature of followers the guardianship and the Perjury, materialistic pacifism, seeking government are feature of evasive guardianship. Growth and Sublimation of individual and Society are from effects of followers the guardianship and loss of individual and Society is effects of evasive guardianship.

"Causes the formation of war" and "character of commanders" are two important theme in analytical model of military event that discovered among imam hossein's letters and expression. Believe problems as lack faith to guardianship of Imams, perjury, materialistic pacifism, Seeking government are causes make background of resurrection ashore and features as appointment unqualified persons in government positions, Seeking diversion by Spiritual distortions Quran concealing facts, breaking tradition are features of commanders in era of imam hossein.

**Keywords:** Content Analysis, Logical Model, Letters and Expression, Imam Hossein, Resurrection Ashore.

---

<sup>7</sup>. Professor of Quran and Hadith Sciences, Al-Zahra University, Tehran.

F\_Fattahizadeh@alzahra.ac.ir

<sup>8</sup>. Master of Science in Quran and Hadith Sciences, Tehran University. (Responsible Author)

hamidehbabazadeh25@yahoo.com